

## رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره 195)

15/02/1397 الی 08/02/1397

در یکصد و نود و پنجمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی – آمریکایی در دومین هفته از اردیبهشت ماه 1397 را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

دومین هفته از اردیبهشت‌ماه 1397، با نوع خاصی از بهره‌های برداری‌های ابزارهای رسانه‌ای وابسته به دولت‌های غربی به ویژه رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا، از اخبار و رویدادهای مختلف مواجه بوده‌ایم؛ به عبارتی بهتر در این هفته، رادیو فردا در مسیر حمله به جمهوری اسلامی ایران، به قدری در دروغ و تحریف واقعیت افراط کرده است که گزارش‌هایش بیشتر به طنزنویسی شبیه است.

در همین راستا رادیو دیروز با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، یکصد و نود و پنجمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول دومین هفته از اردیبهشت ماه سال 1397 (08 الی 15 اردیبهشت ماه 1397) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در یکصد و نود و پنجمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی از قبیل تلاش برای اثبات نقش ایران در بی‌ثباتی منطقه، بازتاب دروغ‌های نتانیا‌هو در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نگرانی پنتاگون از ادامه حضور ایران در سوریه، دروغ شاخدار در معرفی عامل حادثه یازده سپتامبر، ادامه حمایت‌ها از مجرمین در ایران، تلاش برای تخریب چهره امام جمعه مشهد و ... را می‌توانید مشاهده نمایید.

### هفته طنز رادیو فردا

همانطور که در بالا به آن اشاره شد، این هفته را با توجه به نوع فعالیت‌های رسانه صهیونیستی – آمریکایی رادیو فردا، می‌توان به هفته طنز این رسانه ضد ایرانی نامگذاری کرد؛ این رسانه وابسته به کاخ سفید، در مسیر همیشگی دشمنی خود با نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران، به قدری تندروی کرده و به دروغ‌های شاخدار روی آورده است، که مطالبش بیشتر به طنز شبیه است تا گزارش خبری که واقعیت‌ها را بیان کند.

در ادامه، چند مورد از گزارش‌های افراطی رادیو فردا در دشمنی با ایران را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

## ایران عامل بی‌ثباتی در جهان است!

در یکی از طنز نویسی‌های رادیو فردا در این هفته، وزیر خارجه آمریکا به عنوان بازیگر اصلی وارد عمل شده و با ارائه تعریفی جدید از ثبات، ایران را عامل بی‌ثباتی در جهان و منطقه معرفی می‌کند.

رادیوی دولتی آمریکا در بهره برداری از این ادعای عجیب، در گزارش خود نوشته است: «مایک پمپئو، وزیر خارجه جدید آمریکا، که با هدف جلب حمایت متحدان ایالات متحده از تحریم‌های احتمالی جدید علیه ایران، به خاورمیانه سفر کرده است، روز یکشنبه در ریاض ایران را منشأ بی‌ثباتی در کل منطقه خواند و بر لزوم اتحاد کشورهای حاشیه خلیج فارس تأکید کرد. آقای پمپئو در ریاض تصریح کرد که آمریکا از توافق هسته‌ای ایران خارج خواهد شد، مگر برای اصلاح برجام توافقی با شرکای اروپایی آمریکا به دست آید که تضمین کند جمهوری اسلامی هیچگاه به سلاح اتمی دست نخواهد یافت. روز یکشنبه برایان هوک، مشاور ارشد وزیر خارجه آمریکا، نیز که مایک پمپئو را در سفر به ریاض همراهی می‌کند، گفت که کشورش از متحدان اروپایی خود و دیگران می‌خواهد که با هدف متوقف ساختن برنامه موشکی ایران، تحریم‌هایی را علیه تهران وضع کنند. در اظهارات آقای هوک در جمع خبرنگاران، تأکید شده که ایران "تهدیدی برای صلح و ثبات در جهان" است. در این زمینه وزیر خارجه آمریکا هم روز یکشنبه در کنفرانس مشترک مطبوعاتی خود با همتای سعودی‌اش گفت که ایران سرگرم بی‌ثبات‌سازی همه منطقه است و به حمایت از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیانی می‌پردازد که به نیابت از او عمل می‌کنند. او ایران را تأمین‌کننده سلاح برای شورشیان حوثی یمن توصیف کرد و از حمایت ایران از "حکومت آدمکش" بشار اسد در سوریه نیز انتقاد کرد.»

اما در همین ابتدا باید از رادیو فردا در خصوص معنای ثبات پرس و جو کرد؟!!

ظاهراً مقامات آمریکایی در معنای این کلمه به مشکل خورده‌اند که خود را عامل ثبات و ایران را دلیل بی‌ثباتی در منطقه می‌خوانند.

آیا حمایت از تروریست‌های خون‌خوار عامل بی‌ثباتی در منطقه است یا مبارزه با این جنایتکاران؟!!

ایران با همه وجود خود در مقابله با تروریسم حضوری فعال داشته و دارد و هرگز بدون مجوز هیچ دولت قانونی وارد آن کشور نشده است اما ایالات متحده خود مجوز حضور نظامی خود را در هر نقطه از جهان صادر می‌کند و ضمن حمایت از تروریست‌ها مردم بی‌دفاع آن کشور را قربانی می‌کند و در آخر نیز این گونه دم از نگرانی برای امنیت و ثبات منطقه می‌زند.

آیا آمار قربانیانی که در سوریه جانشان را در مداخلات مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا از دست داده‌اند، مردم و به ویژه کودکانی که در یمین به وسیله موشک‌های آمریکایی از زندگی محروم شدند، غیرنظامیان افغانی که به بهانه مبارزه با طالبان بمباران شدند و ...، گویای این واقعیت نیست؟!!

مقامات آمریکایی و رسانه‌هایی مانند رادیو فردا نباید فراموش کنند که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه اسبق این کشور و یکی از نامزدهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری پیشین ایالات متحده در کتاب خاطرات خود به بخش‌هایی کلیدی از این واقعیت‌ها اعترافی صریح و غیر قابل انکار دارد؛ تنها همین جمله کلینتون که می‌گوید "داعش را ما خودمان ساختیم" به خوبی از نقش آمریکا در بی‌ثباتی منطقه حکایت داشته و جای بحثی باقی نمی‌گذارد.

در مقابل نشریه آمریکایی "نیویورک تایمز" در گزارشی به نقش ایران در صلح و ثبات منطقه اذعان کرد و تأکید کرد که آمریکا باید قدردان نقش سازنده ایران در بحران‌های منطقه باشد.

## وقتی نتانیاهو از سابقه اسرائیل بی‌خبر است!

طنز دوم به کم‌دین همیشگی تئاترهای ضد ایرانی، یعنی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل اختصاص دارد؛ جایی که وی خود را به فراموشی زده و در نقش یک بیمار آلزایمری، ضمن نادیده گرفتن سابقه رژیم صهیونیستی در فعالیت نظامی هسته‌ای، از تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتم و چندین تئ سند و مدرک برای اثبات این ادعا سخن گفته است.

در این گزارش رادیو فردا نوشته شده است: «نخست‌وزیر اسرائیل شامگاه دوشنبه ۱۰ اردیبهشت با حضور در وزارت دفاع این کشور، آنچه را که "اسناد و مدارک" پیشرفت محرمانه هسته‌ای ایران و "فریب جهانیان" از سوی تهران نامید، در اختیار رسانه‌ها گذاشت. به گفته بنیامین نتانیاهو، این اسناد "قاطعانه" ثابت می‌کند که ایران همچنان جامعه جهانی را با "بی‌شرمی فریب‌داده" و برنامه اتمی خود را، بعد از برجام، به نقاط پنهانی، غیر از سایت‌های هسته‌ای شناخته شده ایران منتقل کرده است. نخست‌وزیر اسرائیل گفت در این برنامه مخفی، در سه سال گذشته، طراحی، ساخت و آزمایش کلاهک‌های هسته‌ای ایران پیگیری شده است. وی افزود: هدف از این طرح مخفی، ساخت کلاهک‌های هسته‌ای، هر یک با توانی معادل پنج بمب هسته‌ای با ده کیلو تن تی‌ان‌تی است که بر سر هیروشیما فرود آمد، و این کلاهک‌ها قرار بود روی موشک‌های بالستیک شهاب-۳ نصب شود تا "به سوی تل‌آویو شلیک شود". آقای نتانیاهو گفت ایران همه نیازهای "پروژه عماد" را آماده می‌کرد تا هر زمان که خواست سلاح هسته‌ای بسازد، آمادگی کافی داشته باشد. نخست‌وزیر اسرائیل گفت، موشک‌های ایران با برد یک هزار کیلومتر آغاز شد و حال به دو هزار کیلومتر می‌رسد و ریاض، تل‌آویو و مسکو را در تیر رس خود دارد اما ایران همچنان برای طولانی‌تر کردن برد موشک‌هایش تلاش می‌کند. وی تصریح کرد که کشورش از چند هفته پیش "بیش از نیم تن مدرک" را شامل ۵۵ هزار سند روی ۱۸۳ سی‌دی، از تحقیقات هسته‌ای مخفیانه ایران در پروژه موسوم به "عماد" را در اختیار گرفت. سی‌دی‌ها و پرونده‌ها در کمدهایی در کنار آقای نتانیاهو در برابر نمایندگان رسانه‌های اسرائیل و جهان قرار گرفته بود.»

باید به این نکته اشاره کرد که نیم تن مدرک حتی جعلی اسرائیل در خصوص ایران در شرایطی به دست آمده است که تمامی فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان چه قبل و چه بعد از اجرای برجام، زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسی‌های شدید و دقیق این آژانس قرار داشته و دارد؛ اما آیا رژیم اشغالگر صهیونیستی عضو این آژانس بوده و معاهده NPT (منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) را پذیرفته و اجرا می‌کند؟! یا اصلاً حتی یک بار به بازرسان این نهاد بین‌المللی اجازه سرکشی از تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای را داده است؟!

هرگز اسرائیل اطلاعات درستی از فعالیت‌های هسته‌ای آتش ارائه نداده است اما اسنادی که از منابع مختلف به دست آمده‌اند نشان دهنده وجود بیش از 400 کلاهک هسته‌ای آماده استفاده در ذخایر هسته‌ای اسرائیل است که می‌توانند در انواع موشک‌های بالستیک مورد استفاده قرار بگیرند.

اولین خبر رسمی در سال 1986 توسط موردیچائی وانونا، تکنیسین سابق راکتور هسته‌ای اسرائیل در اختیار مطبوعات انگلستان قرار گرفت که در همان زمان نیز به جرم جاسوسی و خیانت در اسرائیل به سال‌ها زندان محکوم شد.

با این وجود، رژیمی که مدام سایرین را تهدید می‌کند و بارها در عمل دست به تجاوز نظامی به دیگران زده است و خود دارای ذخایر کلاهک‌های هسته‌ای و فعالیت‌های هسته‌ای نظامی است، می‌تواند در خصوص نوع فعالیت‌های دیگران اظهار نظر کند؟!

## آمریکا سوریه را می‌خواهد!

موضوع طنزآمیز دیگری که رادیو فردا در این هفته برای ابراز دشمنی خود با جمهوری اسلامی استفاده کرده است، اظهارات عجیب یک مقام پنتاگون در خصوص نقش آفرینی ایران در سوریه و نگرانی از تداوم این حضور است.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در گزارش مربوط به این موضوع نوشته است: «دانا وایت، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت گفته است، نفوذ بدخواهانه ایران باعث بی ثباتی در منطقه شده است. به گزارش وب سایت پنتاگون، دانا وایت که در کنفرانس خبری صحبت می‌کرد، در پاسخ به پرسشی در خصوص احتمال درگیری بین اسرائیل و ایران در سوریه گفت: ما نگران نفوذ مخرب ایران در منطقه هستیم که با حمایت نیروهای نیابتی خود چه حزب الله در لبنان یا حوثی‌ها در یمن به اقدامات بی ثبات کننده خود در منطقه ادامه می‌دهد. سخنگوی پنتاگون تاکید کرده است که هر کجا ایران حضور دارد، به دنبالش هر ج و مرج می‌آید. دانا وایت اضافه کرد: بنابراین سوریه اکنون به عرصه نبرد پیچیده‌ای بدل شده است و تداوم اقدامات ایران همچنان مایه نگرانی ما است. سخنگوی پنتاگون در ادامه در پاسخ به پرسشی در خصوص نقش احتمالی آمریکا در صورت بروز درگیری با ایران گفت: آمریکا و همپیمانانش همواره حق دفاع را برای خود محفوظ می‌دارند، ولی در سوریه مأموریت ما همچنان از بین بردن گروه حکومت اسلامی، داعش، است.»

اما به راستی دلیل ناراحتی و اعتراض پنتاگون و دولت آمریکا به حضور و نقش آفرینی ایران در سوریه چیست؟!

اصلاً چرا آمریکا باید از حضور ایران در سوریه نگران باشد؟! آیا مردم و دولت قانونی سوریه هم همین نگرانی‌ها را دارند؟!

مقامات رسمی و قانونی سوریه در دیدارهای مختلف با مقامات ایران و همچنین گفتگوهای مختلف خبری، بارها از جمهوری اسلامی به دلیل کمک در مبارزه با تروریست تقدیر کردند و گفتگوهای خبری مختلف منتشر شده از مردم سوریه نیز کاملاً نشان دهنده رضایت آن‌ها از این حضور است.

اما در مقابل آیا همین نظرات در خصوص حضور نظامی آمریکا در سوریه هم وجود دارد؟!

وضعیت فعالیت گروه‌های تروریستی مختلف، به ویژه گروه تروریستی داعش در سوریه، قبل و بعد از ورود ایران به جریان مقابله با این جنایتکاران کاملاً تفاوت‌هایی ویژه دارند، به طوری که حتی بسیاری از کارشناسان نظامی، سیاستمداران و حتی رسانه‌های برجسته غربی نتوانسته در برابر این تفاوت سکوت کنند و بارها به این نقش برجسته جمهوری اسلامی در سوریه و منطقه ادعان داشته‌اند.

حتی تروریست‌های تا دندان مسلح فعال در سوریه نیز به این واقعیت که نقش آفرینی ایران مانع پیشبرد اهدافشان شده است، اعتراف کرده‌اند؛ در یکی از این موارد «فاتح حسون»، از اعضای ارتش سوریه که در سال 2011 به معارضان سوریه پیوسته به الجزیره می‌گوید "در آن زمان خوش‌بین بوده که سربازان ارتش سوریه نتوانند در برابر پیشروی‌های معارضان مقاومت کنند. اما بعد از مداخله ایران و حزب‌الله، حکومت سوریه موفق شد در صحنه میدانی به ویژه در مناطق حمص و حما موفقیت به دست بیاورد".

اما در مقابل، آیا حضور نظامی آمریکا و متحدانش در سوریه، نتیجه مثبتی برای مردم این کشور به همراه داشته است؟! پاسخ این سؤال با حملات هوایی جنگنده‌های ائتلاف آمریکایی به مردم غیرنظامی و نظامیان و نیروهای مردمی سوریه که با تروریست‌ها در حال نبرد هستند، کاملاً آشکار است.

حضور ایران، با شکست سیاست‌های آمریکا در سوریه همراه بوده و این یعنی تنگ شدن جای آمریکا در این کشور و در نتیجه در منطقه و به همین دلیل نیز علیرغم اعترافات خودشان به نقش سازنده جمهوری اسلامی در مبارزه با تروریسم، باز هم شاید ابراز خشمشان به شکل‌هایی مانند اینگونه اظهارات بوده و هستیم.

## اتهام‌زنی به ایران برای پنهان کردن خودزنی آمریکا

اوج طنزپردازی این هفته رادیو فردا گزارشی بوده است که بر اساس آن، ایران به عنوان یکی از عاملین حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در آمریکا معرفی شده و از حکم دادگاهی در ایالات متحده مبنی بر محکومیت جمهوری اسلامی به پرداخت غرامت در این خصوص، خبر داده است.

این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید با طرح این ادعای عجیب، نوشته است: «یک قاضی دادگاه فدرال آمریکا روز دوشنبه حکومت ایران را به پرداخت شش میلیارد دلار غرامت به بازماندگان قربانیان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر محکوم کرد. به گزارش "د هیل" جورج دانیلز، قاضی دادگاه منطقه منهن نیویورک شکایت خانواده‌های یک هزار نفر از کشته شدگان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر علیه سپاه پاسداران و بانک مرکزی ایران را وارد دانسته است. براساس حکم این قاضی دادگاه فدرال ایران می‌بایست به همسران کشته شدگان ۱۲ میلیون ۵۰۰ هزار دلار، به والدین و فرزندان کشته شدگان هشت میلیون و ۵۰۰ هزار دلار و خواهران و برادران کشته شدگان چهار میلیون و ۵۰۰ هزار دلار پرداخت کند. به این مبالغ پرداختی بهره نزدیک به پنج درصد از سال ۲۰۰۱ یعنی زمان وقوع این حملات تاکنون نیز تعلق می‌گیرد. به دلیل عدم حضور وکلای یا نمایندگان ایران در این دادگاه، این حکم به طور غیابی صادر شده است. ایران پیش از این هرگونه دخالت در حملات یازدهم سپتامبر را رد کرده است، ولی از حضور در این دادگاه‌ها خودداری کرده است. طبق این گزارش، شکایت این بازماندگان علیه ایران برای نخستین بار در سال ۲۰۰۴ تسلیم دادگاه شد. امابه دلیل قانون "مصونیت حاکمیتی مصوب سال ۱۹۷۶" دادگاه این شکایت را مورد بررسی قرار نداد. ولی در سال ۲۰۱۶ و با تصویب قانون "عدالت علیه حامیان تروریسم" دادگاه این شکایت را مورد بررسی قرار داد.»

سؤال اینجاست که نقش ایران در حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در آمریکا چیست؟!

امروزه کمتر کسی در دنیا حضور دارد که نداند این حملات توسط گروه تروریستی القاعده عملیاتی شده است و اصلاً دلیل و پایه جنگ افروزی ایالات متحده در افغانستان که با سال‌ها خونریزی و اشغالگری همراه بوده و همچنان نیز ادامه دارد، به دلیل سرکوب القاعده و انتقال گیری از بانیان این حمله تروریستی صورت گرفت.

از طرفی شواهد و اسناد بسیار زیاد و غیر قابل انکار گویای رابطه مستقیم و همه جانبه القاعده با خاندان حکومتی آل سعود در عربستان است؛ اما جالب این جاست که مقامات آمریکایی و عربستانی در کنار هم رقص شمشیر می‌کنند و هم را دوستان صمیمی خود می‌خوانند و ایران به دلیل جرم نکرده محکوم می‌شود!

بگذریم از این که حتی شواهد بسیاری در دست است که از پشت پرده بسیار مبهم این حمله تروریستی و حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی حکایت دارد و نشان می‌دهد که دست‌های خود ایالات متحده هم به خون مردمان خودش آلوده است.

پائولو سنسینی نویسنده ایتالیایی کتاب "تفرقه بینداز و حکومت کن، استراتژی هرچ و مرج در قرن ۲۱" به صراحت از نقش آمریکا و البته رژیم صهیونیستی در حادثه تروریستی یازده سپتامبر سخن گفته است.

در همین رابطه، "کاتب الشمری" در مقاله‌ای که روزنامه الحیات چاپ لندن منتشر کرده است در این باره می‌نویسد: "واقعه 11 سپتامبر یکی از بزرگ‌های برنده آرشیه‌های آمریکایی است، زیرا تمامی عقلا و خردمندان در سرتاسر دنیا که کارشناس سیاست‌های آمریکایی بوده، و تصاویر و ویدئوهای این واقعه را آنالیز کرده‌اند به اتفاق معتقدند که آنچه در برج‌های دوقلورخ داده یک اقدام صرفاً آمریکایی بوده و در ایالات متحده برنامه ریزی و به انجام رسیده است. اثبات این واقعه نیز انفجارهای مداومی است که به شکل چشمگیری دو ساختمان را از هم پاشیدند و مهندسين سازه‌های ساختمانی با مواد منفجره این دو برج را تخریب کردند و برخورد هواپیماها به ساختمان‌ها تنها چراغ سبزی برای انفجارها بوده و دلیل فروپاشی برج‌ها نبودند. با این حال ایالات متحده هنوز هم قصد مقصر جلوه‌دادن دیگران در جهات مختلف را داشته و این سیاست را می‌توان پیروزی آمریکایی با سوءاستفاده از آرشیه لقب داد."

### کشور بیگناهان در آمریکا و بیگناهی مجرمین در ایران!

در کنار موضوعات عجیبی که در بالا به آن پرداختیم، یکی دیگر از گزارش‌هایی که این هفته در پرونده فعالیت‌های رادیو فردا جالب توجه است، ادامه تلاش‌های این رسانه صهیونیستی - آمریکایی و سازمان‌های به ظاهر بین‌المللی برای حمایت از مجرمین و حتی تروریست‌های بازداشتی در ایران است؛ حمایتی که این بار شامل حال یک تروریست مسلح در کشورمان شده است.

رادیو فردا در گزارشی با طرح درخواست آزادی این تروریست، نوشته است: «عفو بین‌الملل روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت در بیانه‌ای از مقام‌های ایران خواسته است که اجرای قریب‌الوقوع حکم اعدام رامین حسین پناهی، مرد ۲۲ ساله کرد ایرانی، را متوقف کنند. عفو بین‌الملل می‌گوید، قرار است روز پنجشنبه حکم اعدام رامین حسین پناهی به اتهام «قیام مسلحانه» علیه حکومت جمهوری اسلامی اجرا شود، این در حالی است که او در دادگاهی ناعادلانه به این حکم محکوم شده و دادگاه به شکایت رامین حسین پناهی درباره شکنجه در دوران بازداشت توجهی نکرد. فیلیپ لوتر، مدیر تحقیقات عفو بین‌الملل در امور خاورمیانه در این زمینه گفته است، پرونده رامین حسین پناهی از آغاز تا پایان نمونه‌ای از سقوط نفسگیر عدالت است. او در حالی در دادگاه حاضر شد که آثار شکنجه بر بدنش مشخص بود و در دادگاهی به مدت کمتر از یک ساعت به اعدام محکوم شد. این مقام عفو بین‌الملل اضافه کرده است: رامین حسین پناهی در طول دوران بازجویی ضمن عدم دسترسی به وکیل و خانواده اش از دسترسی به شواهد و مدارکی که علیه او اقامه شده، نیز محروم بود. فیلیپ لوتر تأکید کرده است: مقام‌های اطلاعاتی ایران با زیرپا گذاشتن قوانین دادرسی، رامین حسین پناهی را تحت فشار گذاشته تا در مقابل لغو حکم اعدام به "اعترافات ساختگی" تلویزیونی تن در دهد، اما خودداری وی از چنین امری باعث شد تا او را با نگهداشتن در انفرادی تحت فشار و رنج بیشتر قرار دهند.»

"رامین حسین‌پناهی" یکی از اعضای فعال گروهک تروریستی "کوموله" است که به طور مسلحانه علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های جدی دارند و در جریان طراحی و اجرای یکی از این عملیات‌های تروریستی به همراه دو تروریست دیگر در کمین نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرفتار می‌شوند، پس از تبادل آتش و مقاومت با سلاح گرم، بازداشت می‌شود.

آیا به چنین فردی در آمریکا، چه عنوانی جز مجرم داده می‌شود؟!

آیا بین تروریست با تروریست تفاوتی وجود دارد؟! اگر همین فرد در خاک آمریکا یا هر کشور دیگری با سلاح گرم با نیروهای امنیتی و انتظامی درگیر می‌شد و عضو گروهی ضد امنیتی بود، چه برخوردی با او می‌شد؟!

فیلم‌های بسیاری از درگیری پلیس آمریکا و کشورهای اروپایی با مجرمین و حتی افرادی که احتمال مجرم بودنشان می‌رود، منتشر شده است؛ تصاویری تکان دهنده که نشان می‌دهد پلیس در این کشورها، خود حکم صادر کرده و خود در همان صحنه اول حکم را اجرا می‌کند.

در آمریکا بارها و بارها سیاه پوستان بی گناهی، تنها به این بهانه که پلیس احساس کرده است سلاح حمل می‌کنند، حتی با وجود عدم ایستادگی در برابر پلیس و تسلیم شدن، باز هم با گلوله آن‌ها جانشان را از دست داده‌اند.

در کشورهای بسیاری متهمان مربوط به حملات تروریستی یا مجرمینی که مسلح هستند، هرگز زنده از صحنه جرم خارج نمی‌شوند و پلیس در همان جا آن‌ها را می‌کشد؛ اما جالب این جاست که اکنون در خصوص مجرمی که عضو رسمی یک گروه تروریستی بوده و مسلحانه با مأمورین امنیتی کشور درگیر شده است و باز هم حق دادگاه و دفاع به او داده شده و در دادگاهی رسمی محاکمه گردیده است، نظرات رسانه‌های غربی مانند رادیو فردا کاملاً خلاف آن چیزی است که در غرب صورت می‌گیرد.

چرا رادیو فردا از افرادی که در خیابان‌ها بی دلیل به دست پلیس آمریکا به قتل می‌رسند، سخنی به میان نمی‌آورد؟!

آیا اگر ایران یا هر رسانه و کشوری از دانش آموز 19 ساله‌ای که عامل تیراندازی و کشتار مسلحانه در مدرسه‌ای واقع در ایالت فلوریدا آمریکا بود، دفاع کنند، این دفاعیات پذیرفته شدنی است؟!

### **حمله ناکام رادیو فردا به امام جمعه مشهد مقدس**

آخرین موضوع مجله هفتگی رادیو دیروز در این هفته، به تلاش نصفه و نیمه و نافرجام رادیو فردا برای تخریب چهره امام جمعه مشهد مقدس اختصاص دارد؛ جایی که این رسانه ضد ایرانی که کینه شخصیت‌های انقلابی را با خود به همراه دارد، به بهانه انتشار یک مطلب در صفحه تلگرامی منصب به آیت‌الله علم‌الهدی، سعی در قرار دادن وی در مقابل مردم ایران و گرفتن ماهی از آب کِل‌الود داشته است.

رادیو فردا در گزارشی که به این موضوع اختصاص داده، نوشته است: «آیت‌الله علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، که از مخالفان پیام‌رسان‌های خارجی و بویژه "تلگرام" است به فاصله کوتاهی پس از خروج از این شبکه اجتماعی ناچار شد که بار دیگر به آن برگردد. کانال تلگرامی این روحانی تندروی اصولگرا پنجشنبه هفته پیش اعلام کرد که "در جهت حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی و رفع انحصار فضای مجازی از پیام‌رسان‌های غیرایرانی"، دیگر در تلگرام فعالیت نخواهد داشت و در پیام‌رسان‌های ایرانی به فعالیت رسانه‌ای می‌پردازد. با این حال، امام جمعه مشهد روز شنبه هشتم اردیبهشت در کانال تلگرامی خود خبر داد که "به خاطر عدم اقبال مخاطبان به پیام‌رسان‌های داخلی تاکنون، فعلاً همزمان در تلگرام نیز فعالیت خود را ادامه می‌دهیم". در بخش دیگری از این پیام اشاره شده که "ضمن حمایت و فعالیت حداکثری خود در پیام‌رسان‌های داخلی، به ناچار برای رساندن پیام به مخاطبان مجبور به استفاده از ظرفیت تلگرام هستیم". صفحه توئیتری سایت جماران در اعلام این خبر تیتیر زد که "سایت امام جمعه مشهد دوری از تلگرام را تاب نیاورد!!" این دومین ناکامی آیت‌الله علم‌الهدی در زمینه تبلیغ پیام‌رسان‌های داخلی به جای تلگرام است که در هفته‌های اخیر و با اجرای یک مصوبه قدیمی دولت حسن روحانی وارد فاز تازه‌ای شده است.»

اما آیا واقعیت همین است؟!

آیت‌الله علم‌الهدی، امام جمعه مشهد مقدس، یکی از افراد شناخته شده ایست که همواره بر اصول انقلاب اسلامی تأکید کرده و با همه وجود خود و جایگاهش را در مسیر دفاع از این اصول هزینه کرده است.

وی در برابر رفتارهای خصمانه غرب علیه جمهوری اسلامی، هرگز سکوت نکرده و جزو اولین شخصیت‌هایی بوده است که در ایران به این گونه رفتارها واکنشی جدی و قاطعانه نشان داده است و همین امر هم باعث شده که غرب و رسانه‌های ضد ایرانی همواره به امام جمعه مشهد مقدس با خشم و نفرت مواجه شوند.

اما در خصوص اتفاق پیش آمده برای صفحه تلگرامی منتصب به آیت الله علم الهدی باید به این نکته تأکید داشت که پس از ارسال تعداد معدودی مطلب در این صفحه، شخص امام جمعه مشهد با این کار مخالفت کرده و این فعالیت به طور کامل در تلگرام متوقف و به پیام رسان‌های داخلی منتقل گردید.

در بیانیه‌ای رسمی که توسط دفتر امام جمعه مشهد مقدس در این خصوص صادر شد و به عنوان آخرین پست منتشر شده در کانال تلگرامی منتصب به وی نیز قابل مشاهده است، به صراحت تأکید شده: "در روزهای اخیر حضور مجموعه رسانه‌ای Alamolhoda.com در پیام رسان تلگرام موجب ایجاد امواج تخریبی علیه آیت الله علم الهدی و دلخوری امت حزب الله شد، که باعث تأسف است. از این بابت عذرخواهی نموده و از حسن توجه همه کاربران فضای مجازی تشکر می‌کنیم.

اگر قصوری از مجموعه رسانه‌ای Alamolhoda.com در هر رده و مرحله‌ای سر زده است، متوجه ادمین، مدیرمسئول و هیات تحریریه آن می‌باشد و به هیچ وجه از این بابت آیت الله علم الهدی مسئولیتی ندارد.

اکنون نیز به دستور آیت الله علم الهدی و در راستای احترام به نظرات مخاطبان عزیز در فضای مجازی و در جهت حمایت از پیام رسان‌های داخلی فعالیت خود را در تلگرام پایان می‌دهیم".

در نتیجه باز هم تلاش رادیو فردا برای تخریب چهره آیت الله علم الهدی با شکست مواجه شد اما نباید از دلایل این دشمنی غافل بود؛ دلایلی که نشان می‌دهد افرادی مانند امام جمعه مشهد مقدس، چقدر در حرکت قطار انقلاب اثرگذار بوده و هستند.

آنچه در بالا خوانده‌اید، یکصد و نود و پنجمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در دومین هفته از اردیبهشت ماه 1397 (08 الی 15 اردیبهشت ماه 1397) پرداخته است.